

پیامدهای جنگ هند و پاکستان

ناسیونالیسم افراطی، هند را از درون می‌بلعد!



میراحمد رضا مشرف پژوهشگر مسائل بین‌الملل

جنگ چهارروزه هند و پاکستان خاتمه‌یافت، اما حواشی و جنجال‌های آن همچنان باقی مانده‌است. دربرون و درفضای بین‌المللی جنگ دیپلماتیک دو کشور با شسدت ادامه دارد چنان‌که پاکستان از قصد خود برای اعزام هیئتی به کشورهای غربی و در راستای انعکاس مواضع اسلام‌آباد در قبال درگیری‌های اخیر خبر داده‌است. در سوی دیگر هند همچنان بر تعلیق معاهده آبی پافشاری دارد و البته به پیشنهادهای میانجیگری بین‌المللی برای مسئله کشمیر هم روی خوشی نشان نمی‌دهد. اما در داخل هند و پاکستان بحث‌ها عمده‌تا در حوزه مهم دیگری جریان دارد؛ اینکه جنگ چه دستاوردهایی داشته و چه کشوری می‌تواند خود را پیروز جنگ تلقی کند؟ شاید جالب باشد اگر بگویم میان پاسخ مردم دو کشور و دیدگاه آن‌ها در مورد برنده جنگ قرابت و همسویی عجیبی وجود دارد. به نظر می‌رسد در پاکستان اغلب مردم از نتیجه جنگ و واکنش دولشان در حوزه‌های دفاعی و تهاجمی کاملاً راضی‌اند و بدین جهت خود را پیروز میدان تلقی می‌کنند. اما در طرف مقابل و در هند، کمتر کسی باور دارد که نفع عمده‌ای از این جنگ برای آن‌ها حاصل شده‌است. ارتش هند تهاجم نظامی خود را آغاز کرد، درحالی‌که هیچ هدف و پیش‌فرض روشنی برای نتایج آن وجود نداشت. از سوی دیگر سقوط چند فروند جنگنده نظامی و ده‌ها پهپاد و تلفات تقریباً گشمگیر برای دهلی‌نو به عنوان شروع‌کننده جنگ، جای هیچ توجیحی باقی نگذاشته‌است. بنابراین به نظر می‌رسد که احساسی از سرخوردگی و شکست در هند و به‌ویژه در میان ناسیونالیست‌ها و افراط‌گرایان هندو شکل گرفته‌است. درواقع این همان نکته مهمی است که از سوی سوهاس پالیشکار، تحلیلگر هندی مورد توجه قرار گرفته‌است. پالیشکار در مقاله‌ای که اخیراً در روزنامه اندین اکسپرس منتشر کرده‌است تلویحاً بر ناکامی هند در این جنگ صحه می‌گذارد، اما از آن مهم‌تر هدف اصلی او از انتشار این مقاله هشدار نسبت به تبعات و پیامدهای جنگ اخیر بر آینده هند است؛ اینکه شرایط کنونی ممکن است عده‌ای را بیش از پیش به سوی تحركات ناسیونالیستی و افراط‌گرایانه سوق دهدو همین امر آینده یکپارچگی سیاسی و اجتماعی هند را با خطری جدی مواجه کند.

■ ■ ■

حادثه پهلگام و پیامدهای آن بر هویت اجتماعی در هند

تحولات پس از پهلگام در مورد خودمان و هویت جمعی در حال تحول ما چه می‌گوید؟ هنگامی که هند با قتل گردشگران به‌خاطر دین و ایمانشان مواجه شد و به دنبال تلافی حمله تروریستی برآمد، سه حوزه اجتماعی بر گفتمان عمومی در مورد چه، چرا و چگونگی پاسخ هند تسلط داشتند. این سه‌گانه قرار است هویت جمعی ما را شکل و نمایش دهند، آن هم با امری بسیار ایدئولوژیک برای آینده پیش‌رو.

شاید خیلی‌ها قبول نکنند، اما در بخش‌های بزرگی از جامعه احساس ناپاوری و ناامیدی نسبت به پیامدهای نهایی تحولات سه هفته گذشته به وجود آمده‌است. حوزه‌های اجتماعی که در زیر به آن‌ها اشاره می‌کنیم، تضمین می‌کنند

که این ناامیدی به سوی دولت نیست، بلکه در راستای هویت دهی به «ملیت» ماست، آن هم در جهتی که هند را در مسیری متفاوت و تأشنا با تعهداتش در ۱۹۴۷، سوق می‌دهد.

در حالت معمول، نمایش قدرت توسط رهبران سیاسی عالی، سروصدای غیرمسئولانه تولیدشده توسط رسانه‌ها و ناپختگی باورنکردنی به اصطلاح تحلیل‌های اراننده توسط بخش‌هایی از افسران بازنشسته نیروهای مسلح عموم مردم را برای تحولاتی شسدید و دراماتیک آماده کرده‌بود. اکنون به نظر می‌رسد آن رویاهای سرکش با یک زم‌زه به پایان رسیده‌است. اما سه دسته تشکیلات هواداری که در چند هفته گذشته آزاد شده‌اند با ما خواهند ماند و تلاش خواهند کرد تا ناامیدی‌های عمومی را که در لحظه فعلی ایجاد شده‌است، شکل داده، تحریف و منحرف کنند.

گروه اول

هواداران‌ی که جنگ را ارزش تلقی می‌کنند

اولین مورد آن است که احساسی بچه‌گانه در مورد جنگ ایجاد شد، انگار جنگ صرفاً بازی با یک اسباب‌بازی بود. یک رئیس بازنشسته ستاد ارتش مجبور شد که به یادمان بیاورد- هر چند دیر هنگام- که جنگ یک نیک‌گز گز نه خوب و نه اولین گز نه‌ است. در آن روزهای پرشور که نیروهای مسلح در حال جنگ بودند، «کاهش تنش» ناگهان به یک کلمه کثیف تبدیل شد. این سخن درستی است که جنگ اغلب در میان کسانی که خودشان مستقیم آن را تجربه نمی‌کنند جذابیت دارد؛ چرا که به جای قدردانی از شجاعت نوعی رمانتیک‌سازی از جنگ شکل می‌گیرد. در این شرایط وقتی که همسایه مناسب مثل پاکستان داشته باشید جنگ به راه‌حلی آسان برای تمام مشکلات با همسایه و حتی با خودت تبدیل می‌شود. پهلگام و حمله‌های ناجورمانده به غیرنظامیان، صبر هر واقع‌گرایي را مورد امتحان قرار داده و برای حاکمان نیز چالش‌ساز را ایجاد کرد. این اشکال از تحریک آگاهانه، باعث تحریک حس انتقام‌جویی در میان شهروندان می‌شود. اما در آن زمان، هندوستان جنگ طلب‌شاهد آن بود که جمعیت زیادی از هواداران جنگ- نه فقط در استودیوهای تلویزیونی و رسانه‌های جمعی- به‌وضوح نشان دادند که از درک شسب لغزنده جنگ پرهیز دارند. برای این هواداران، جنگ نه آخرین چاره‌است و نه وسیله‌ای برای رسیدن به هدفی صلح‌آمیز؛ بلکه در ماهیت خود یک ارزش تلقی می‌شود. هند همیشه چنین هوادارانی داشته‌است؛ اما تحولات اخیر آن‌ها را به خط مقدم آورد، طرفداران بیشتری به آن‌ها اضافه کرد و این باور را مشروعیت بخشید که جنگ اولین و ضروری‌ترین گام در پیشبرد منافع ملی و اجرای سیاست خارجی است.

گروه دوم

هواداران‌ی که به حذف کامل دشمن می‌اندیشند

دومین دسته هواداری که اخیراً کششی به‌دست آورده، صاحب این ایده‌است که می‌جنگ را می‌توان به پایان‌رساند. بر اساس این تصور، محدود کردن پاکستان، ایجاد بازدارندگی برای تروریست‌ها، ایجاد شرایط چانه‌زنی، حتی خشی کردن «گناه تقسیم» پایان‌کار در نظر گرفته نمی‌شود. بر مبنای چنین تخیلی، پاکستان فقط یک همسایه بد نیست، بلکه یک خار در گوشت است که باید از شر آن خلاص‌شود. در بخش کوچکی از این تشکیلات هواداری انگیزه‌هایی از سال

چگونه آمریکا و چین، پیروز جنگ هند و پاکستان بودند؟

۱ تغییر تمرکز راهبردی هند

از نگاه پکن، هرگونه انحراف تمرکزِ هند از حوزه ایندو-پاسفیک به سود چین است. جنگ بخشی از این تمرکز نظامی و سیاسی هند را تحلیل بر. آشکار شدن خبرهای امنیتی و نظامی، که هم خود رخداد تروریستی پهلگام و هم عملکرد ضعیف ارتش در جنگ با پاکستان گواه آن است، بی‌تردید بسیاری از منابع و تمرکز راهبردی هند را به سمت شمال بازتوزیع خواهد کرد.

تقویت پاکستان به‌عنوان سپر حفاظتی

چین با حمایت دیپلماتیک از پاکستان در شورای امنیت سازمان ملل و جلوگیری از محکومیت آن، جایگاه خود را به‌عنوان متحد قابل اعتماد اسلام‌آباد تثبیت کرد. کمک‌های مالی چین به پاکستان (که‌هند آن‌ها را تله‌بده‌می می‌نامد)، چه به صورت وام چه به شکل سرمایه‌گذاری، وابستگی اقتصادی این کشور به پکن را افزایش داده‌است. چین که پاکستان را «دوست استوار» و «رفیقی برای همه‌فصول» می‌نامد، این بار هم با پیگیری همین روایت، در کنار اسلام‌آباد و در برابر دهلی‌نو ایستاد.

۳ برتری نظامی

شاید مهم‌ترین دستاورد چین در این جنگ چندروزه، محک زدن توان و کارآمدی تسلیحات پیشرفته‌ای نظیر جنگنده‌های J-10C، سامانه‌های دفاع هوایی HQ-9، جنگنده‌های JF-17، موشک‌های هوا به هوای PL-15، و تجهیزات نظامی دیگری بود که در اختیار اسلام‌آباد گذاشته‌بود. گزارش‌ها حاکی از آن است که پاکستان از جنگنده‌های ساخت چین برای سرنگونی هواپیماهای هندی (ساخت فرانسه و روسیه)

۱۹۷۱ وجود دارد؛ اما صرف‌نظر از آن، این هواداران اعتقاد دارند که پاکستان می‌تواند به‌سادگی محو شود. بدیهی است که هیچ زمینه‌زو نئوپلیتیک جهانی و منطقه‌ای در این تصور وجود ندارد. این عقیده خالص نیز وجود دارد که اگر پاکستان نمی‌تواند منفرج شود، هند حداقل باید اطمینان حاصل کند که ذات درونی آن پاک شده‌است. امیدوارم که بر خلاف دسته اول، این هواداران تاکنون به عرصه سیاست‌گذاری نفوذ نکرده باشند. این واکنش در همراهی باسته‌اول، مسئله‌ای بسیار ناراحت‌کننده را به مادر مورد تصویر مان به عنوان یک ملت می‌گوید؛ اینکه ما و ملیت ما، بر اساس خشونت، تخریب و حذف کردن پایه‌ریزی شده‌است. این ایده که یک ملت نمی‌تواند با گذشته و حال خود زندگی کند باعث می‌شود که یک ملت با خودش احساس راحتی نکند. یعنی در درون آن یک‌بخش همیشه در تضاد با مفهوم تنوع، شمول و سازگاری وجود دارد، آن هم به دلیل این تصور که ملت‌ها نیاز به حذف کامل «دشمن»، «دیگری» و «تمایز» دارند. گفتمان رسمی در طول بحران فعلی به این حوزه هواداری توجه کرده و در واقع به دنبال گسترش آن بود و در عین حال تلاش کرده‌است تا این تصور را به استدلال‌ی برای توجیه اقدامات هند تبدیل کند.

گروه سوم؛ هواداران جنش ضد مسلمانان

سومین حوزه هواداری که در هفته‌های پس از پهلگام سرش را بلند کرد، بسیج ضد مسلمانان بود. ما مطیعانه در دامی افتادیم که تروریست‌ها و طراحان فکری آن‌ها به‌وسیله کشتن هندوها بر سر راه پهن کرده بودند و بر مبنای آن رسانه‌های اجتماعی (و احتمالاً تصور اجتماعی در زندگی حقیقی) علیه مسلمانان هند تغییر جهت دادند. مکالمات خصوصی به‌طور آشکار و شروانه بر ضد مسلمانان شد. پهلگام و بحث اقدام قاطع هند علیه پاکستان انگیزه‌ای قوی در بخش‌هایی از هند برای فراخوان‌های تحریم علیه مسلمانان ایجاد کرد. نکته قابل توجه آن‌که در چند هفته گذشته، رهبری سیاسی حتی یک کلمه هم در ابراز ناراضیاتی از این اقدامات سخن نگفته‌است. این قصور سیاسی نمی‌تواند با نمادگرایی توخالی از حضور یک افسر مسلمان در جایگاه سخنگوی جلسه مطبوعاتی، پاک شود. تصمیم به

در حالی که سهم آمریکا نزدیک به ۱۵ درصد است. شاید به همین خاطر بود که در میانه بحران، در اول ماه می یعنی تنها ۸ روز پس از حمله پهلگام، قراردادی میان آمریکا و هند برای تأمین سخت‌افزارهای نظامی حیاتی و تجهیزات پشتیبانی لجستیکی به ارزش ۱۳۱ میلیون دلار تصویب شد.

دیپلماسی به مثابه قدرت مذاکره

نقش فعال آمریکا در آتش‌بس تنها سه روز پیش از سفر ترامپ به‌س‌خاور میانه و مذاکرات احتمالی پیرامون نفت، تجارت و قراردادهای سرمایه‌گذاری، امنیت منطقه‌ای، بحران غزه و برنامه‌های هسته‌ای تصادفی به نظر نمی‌رسد. دست‌کم یکی از اهداف و نتایج میانجیگری آتش‌بس میان پاکستان و هند، دستیابی به اهرم فشار دیپلماتیک برای این مذاکرات بوده‌است. مهم با ایران، عربستان سعودی، قطر و امارات متحده عربی بوده‌است. اگرچه، با توجه به شکنندگی آتش‌بس میان پاکستان و هند، شاید عمر این اهرم فشار به درازا نکشد، با این حال ایالات متحده تا آن زمان از این فرصت برای تثبیت مجدد جایگاه تضعیف‌شده و تصویر مخدوش خود در خاور میانه بهره خواهد برد.

از این چشم‌انداز، درگیری می ۲۰۲۵ میان هند و پاکستان تنها یک جنگ منطقه‌ای نبود؛ بلکه فرصتی ژئوپلیتیک برای دو ابرقدرت بود. برای چین، جنگ فرصتی بود برای تضعیف رقیب و تقویت متحد، بدون درگیری مستقیم. برای آمریکا، راهی بود برای ایفای نقش قدرت خیرخواه، تحکیم روابط دفاعی با هند و دستاورد حساسی برای مذاکرات پیش‌رو در خاور میانه. بار دیگر ثابت شد که در جهان سیاست، پیروزی‌ها همیشه در میدان نبرد رقم نمی‌خورند.



استفاده از سرهنگ صوفیه قریشی برای این جلسات، دیپلماسی بدی بود و یک وجدان گناهکار را بر ملا کرد، اما به غیرقانونی کردن تشکیلات هواداری ضد مسلمان کمکي نکرد. احساسات ضد مسلمانان در جامعه به قدری ریشه دارد که حتی سرهنگ قریشی به‌عنوان «خواهر» تروریست‌ها دیده می‌شود؛ الفاظی که یکی از وزرای دولت بی‌بی‌پی در ایالت مدیا پرادش بیان کرد (اگرچه او بعداً از گفته خود عقب‌نشینی کرد). دلیل این امر آن است که در تفکر این دسته سوم، هیچ تفاوتی بین مسلمانان پاکستان و هند وجود ندارد و علاوه بر آن خطوط بین این دوو تروریست نیز مبهم است.

فوران بحران اجتماعی در بستر افراط‌گرایی

این سه حوزه هواداری در پی واقعه پهلگام به وجود نیامده‌اند. آن‌ها برای مدتی مدید بخشی از نظم اجتماعی و سیاسی هند بوده‌اند. همچنین می‌توان این فرضیه را مطرح کرد که این سه مورد کاملاً از یکدیگر مجزا نیستند. همپوشانی آن‌ها دستور کار ناسیونالیسم هندوتوا است؛ ایجاد یک تصور ملی که مسلمانان را به‌عنوان دشمن دانی در داخل هدف قرار می‌دهد. چنین تصویری روی این رویا که روزی پاکستان از صحنه روزگار محو خواهد شد، شکوفا می‌شود و این نظریه را مطرح می‌کند که زور و جنگ زرادخانه اصلی ملت‌ها هستند و خشونت در چهارچوب یک هدف ملی از نظر اخلاقی نه تنها قابل توجیه، بلکه حتی دارای غناست. در نهایت آنچه پهلگام و پیامدهای آن تاکنون نشان داده‌است، این احتمال واقعی را پیش می‌کشد که این سه دسته هواداری تصورات عمومی را قیضه کنند. در حال حاضر، ممکن است برآورد قدرت عددی آن‌ها آسان نباشد. اما در زندگی یک جامعه، زمانی که ملیت با ادعاهای شبه ملی از پای در آید بورخی صفات پتانسیل حمایت مردمی یا آزادی‌بخشی ملی‌گرای رامنشکست دهد؛ ملی‌گرایی در خدمت حذف قرار گیرد و سرانجام زمانی که رهبری سیاسی ظرفیت تبدیل شدن به یک دولتمرد را دارد، اما لفاظی‌های وسوسه‌کننده هم رهبری و هم ذهن جمعی را به سویی تله‌های شبه‌ملی‌گرای، آن هم در چهارچوب صفات تعریف‌کننده ما یا ملیت ما، سوق دهد؛ آن‌گاه لحظات بحرانی فوران پیدا می‌کنند.

استفاده کرده، هرچند دهلی‌نو این ادعاها را تأیید نکرده‌است. بدین ترتیب، چین توانست با شسستن در دریف اول نمایش همسایگانش، عملکرد فساوری نظامی‌اش را در میدان واقعی جنگ ارزیابی کند و احتمالاً گواه زنده‌ای برای مشتریان آینده تسلیحات نظامی‌اش فراهم آورد.

آمریکا: میانجیگری دیپلماتیک و مصداقه صلح

سیاست «چرخش به‌سوی آسیا»ی او با ما به‌شکل‌های گوناگون در ریاست جمهوری‌های پس از وی، از جمله ترامپ تکرار شد. آمریکا اگرچه اکنون از مذاکرات صلح روسیه-اوکراین جا مانده، اما رویکرد پیش‌دستانه‌ای در آسیا، به ویژه در جنوب آسیا پیش گرفته‌است:

۱ نقش میانجیگر مؤثر

با وجود ادعای اولیه هند مبنی بر عدم پذیرش دخالت طرف‌های سوم در مذاکرات دیپلماتیک، آمریکا نهایتاً میانجیگری در آتش‌بس را به‌نام خود مصداقه کرد. فشار دیپلماتیک ایالات متحده، از جمله مشروط کردن وام یک میلیارد دلاری صندوق بین‌المللی پول به رعایت آتش‌بس توسط پاکستان، اهرم فشار قدرتمندی در اختیار واشنگتن قرار داد.

تحکیم روابط نظامی با هند

در جریان جنگ، ضعف‌هایی در توانایی‌های هند در حوزه‌های شناسایی، جنگ الکترونیک و پدافند پهپادی آشکار شد. این احتمال می‌رود که هند پس از این جنگ کوتاه‌با پاکستان، درباره ترکیب سیستم‌های آفتندی و پدافندی خود تجدیدنظر کند. تجهیزات نظامی روسی و فرانسوی در حال حاضر بیش از ۶۰ درصد ساختار آفتندی و پدافندی هند را تشکیل می‌دهند،

صورت مسئله گویاست؛ او ربان عملاً متهم به از بین بردن هار مونی امنیتی مشترک تعریف‌شده در پیمان آتلانتیک شمالی شده و اثبات کامل این ادعا، می‌تواند منتج به تبعاتی برای نخست‌وزیر مجارستان شود. با این حال قطعاً آمریکا از این برخورد سخت (عالیه او ربان) حداقل در دوران ریاست جمهوری ترامپ حمایت نخواهد کرد.

بوداپست بارها در حکم کاتالیزور با عامل تسریع‌کننده در سیاست‌های امنیتی دولت اول و دوم ترامپ در اروپا ایفای نقش کرده، از سوی دیگر دولت آمریکا در حال حاضر نیاز مبرمی در خصوص بازگویی درون آتلانتیکی دارد و بوداپست در خلق و تثبیت این موازنه، جایگاه برجسته‌ای دارد. از این رو آمریکا قطعاً بسیاری از تلاش‌های سه عضو اروپایی اصلی ناتو یعنی آلمان، فرانسه و انگلیس در تقابل با دولت او ربان را بی‌اثر یا کم‌ثمر خواهد ساخت.

استراتژی مقابله به‌مثل از سوی او ربان

دولت او ربان به تکذیب ادعاهای مطرح‌شده از سوی دستگاه اطلاعاتی اوکراین اکتفا نکرده و در واکنش به اعلام عمومی این موضوع از سوی کی‌یف، دو دیپلمات اوکراینی را از بوداپست اخراج کرده‌است.

در باره توانمندی‌های دفاعی و نظامی اوکراین بوده‌است. در همین راستا دو نفر (که بنابر ادعای کی‌یف به سرویس اطلاعاتی مجارستان وابسته‌اند) بازداشت شده‌اند. امکان دارد پس از بازجویی‌های تکمیلی، بر تعداد افراد مظنون و دخیل در این پرونده جنجالی افزوده‌شود. دو فرد بازداشت‌شده، عملیات جمع‌آوری اطلاعات درباره نیروهای اوکراینی در مناطقی از خاک این کشور، ثبت مختصات سامانه‌های پدافند هوایی و تلاش برای شناسایی جزئیات سامانه‌های دفاعی را بر عهده داشته‌اند.

سکوت مسکو، تکذیب بوداپست

مقامات ارشد دستگاه اطلاعاتی روسیه، درقبال این پرونده امنیتی سکوت کرده‌اند. با این حال برای دستگاه اطلاعاتی اوکراین مسجل شده که بوداپست کارفرمای این پروژه جاسوسی بوده‌است. نکته قابل تأمل اینکه یکی از افراد بازداشت‌شده نیز عضو سابق نیروهای دفاعی اوکراین بوده و به اطلاعات مربوط به ناوگان هوایی و سامانه‌های دفاعی یگان سابق خود دسترسی داشته‌است. وفق قانون جزایی اوکراین، مجازات حبس ابد و مصداقه اموال، در انتظار هر دو فرد دستگیر شده خواهد بود.